

ارزیابی نظریات سیاسی پیرامون ایجاد پایگاه های نظامی بوسیله مدل تخنیکي عیار کننده

پیمایش و ارزیابی حالات سیاسی و اجتماعی یک جامعه بخصوص جوامع عقب مانده مانند افغانستان به سیستم های اتوماتیک و فورمول های تخنیکي مشکل است، ولی بازم درین قسمت مقاله بکمک مدل عیار کننده که این بخش ها را [حالت موجود]، [حالت باید]، [عملیه ایکه حالت موجود را به حالت باید تبدیل کند] و [مقایسه پیمایش عملیه] را در بر میگردد، از زاویه تخنیکي مورد بحث قرار میدهم، و سپس ارزیابی تحلیلگران سیاسی را در مورد ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان توسط این مدل در حالات فوق، مورد مذاقه قرار خواهیم داد و در همین نمونه خواهیم یافت که کمی و کاستی و نکات برجسته مجموعی چنین نوع ارزیابی ها در کجا قرار دارند. **با ذکر اینکه روی تصور عمومی بحث میشود نه روی کدام مقاله مشخص. از خوانندگان محترم متمنی ام مفهوم تخنیکي کلمات و چگونگی تطبیق آنرا مورد توجه خاص خود قرار دهند؛ زیرا این توجه در تسهیل بقیه نکات سیاسی بحث شده در مقاله ممد واقع میشود.**

رشته مسلکی "تخنیک عیار نمودن" Automatic Controlling System یکی از رشته های عمومی تحصیلات الکتروتخنیک در "انستیتوت تکنولوژی کارلسروه (KIT)" است، برای معلومات مزید میتوانید به لینک مذکور مراجعه کنید.

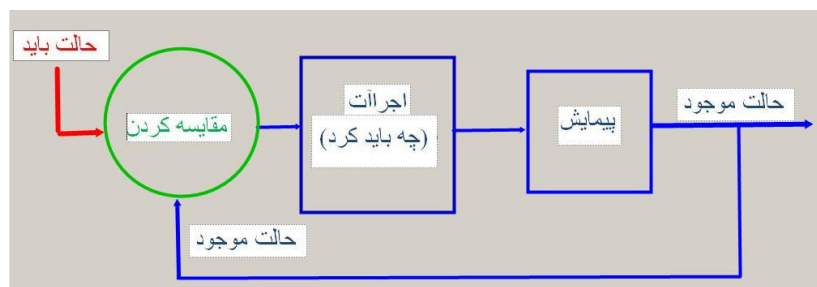
<http://www.kit.edu/english/index.php>

KIT از جمله پوهنتون های عالی اروپا بوده و از همپراز های انستیتوت تکنولوژی ماساچوست [MIT] امریکا می باشد.

Automatic Controlling System در عرصه های مختلف حیات روزمره انسان و نیز در رشته های "های تک Hightech" به کار برده می شود.

انسان امروز مایل است، فعالیت های روزمره خود را حتی الامکان به صورت اتومات شکل بدهد. مثلاً از ثابت نگهداشتن حرارت بین عمارات بزرگ و آسمان خراشها، ثابت نگهداشتن سرعت یک موتر تا ثابت نگهداشتن ارتفاع مدار ستلایت ها به دور زمین؛ همه مثالهای فوق نشان دهنده آرزوی انسان مترقی در برابر پیروزی به (چلنجهای) اند که خواسته توسط "تخنیک عیار کننده" راه حلی برایش پیدا کند و بر مبنای آن برای مشکلات بعدی و حل نشده، طرق و شیوه های نوینی را بخاطر ساده ساختن و آسایش حیات بشری سراغ کند.

پرنسپ ساده "تخنیک عیار کننده" عبارت از پیمایش دوامدار یک بُعد متغیر فزیکي (حالت موجود) است که با یک بُعد ثابت (حالت باید) مقایسه میگردد. باید ذکر شود که ابعاد فزیکي [Physical Dimensions] به دو نوع ثابت و متغیر اند، مثلاً درجه حرارت همیشه متغیر است ولی اگر بخواهیم درجه حرارت را ثابت نگهداریم باید حالت متغیر را با حالت ثابت مقایسه کنیم و به سیستم بفهمانیم که با کم و زیاد کردن حالت موجود از حالت متغیر، خود را به (حالت باید) که توقع برده میشود، برساند. بدین ترتیب در صورتیکه "حالت موجود" از "حالت باید" تفاوت کند، جبران آن باید تحت اجرا قرار داده شود و بدینگونه نتیجه اجراء "متغیر فزیکي" [Physical Variables] با آله پیمایش اندازه گردیده و دوباره با بُعد فزیکي "حالت باید" بصورت دوامدار مقایسه میگردد و این سلسله همچنان ادامه می یابد.

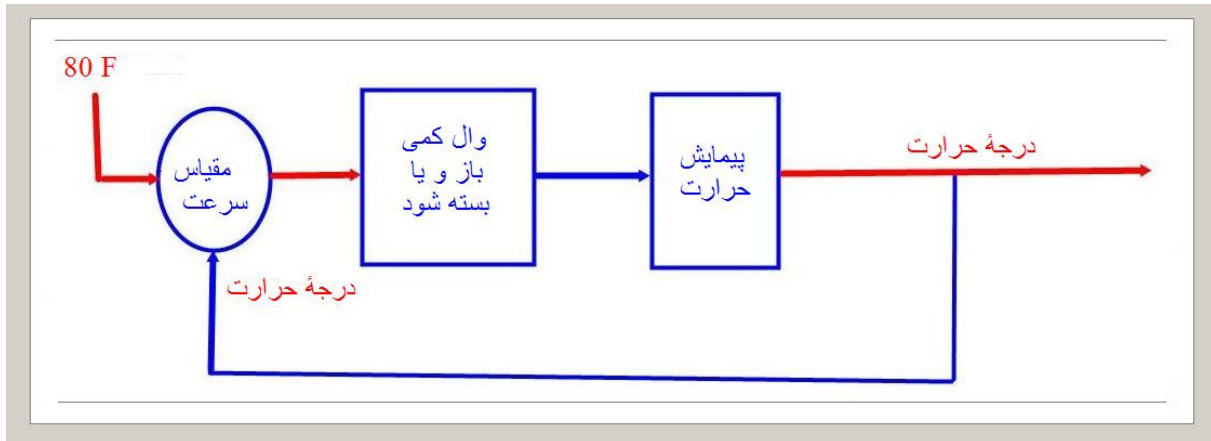


دایره عیار کننده

مثال اول:

ثابت نگهداشتن درجه حرارت داخل یک عمارت یک آرزوی انسانی است که درجه حرارت دلخواه را بصورت مستقل، در مقایسه با حرارت و یا برودت بیرونی، بیک درجه داده شده ثابت نگهدارد.

مثلا از سیستم عیار کننده میخواهیم که درجه حرارت داخل عمارت را به ۸۰ درجه فارنهایت که (درجه باید) میباشد عیار سازد. حالا سیستم، بصورت دوامدار (درجه موجود) داخل عمارت را اندازه کرده با (درجه باید) مقایسه نموده تفاوت آنرا بصورت اتومات توسط باز و بسته کردن وال عیار می سازد.

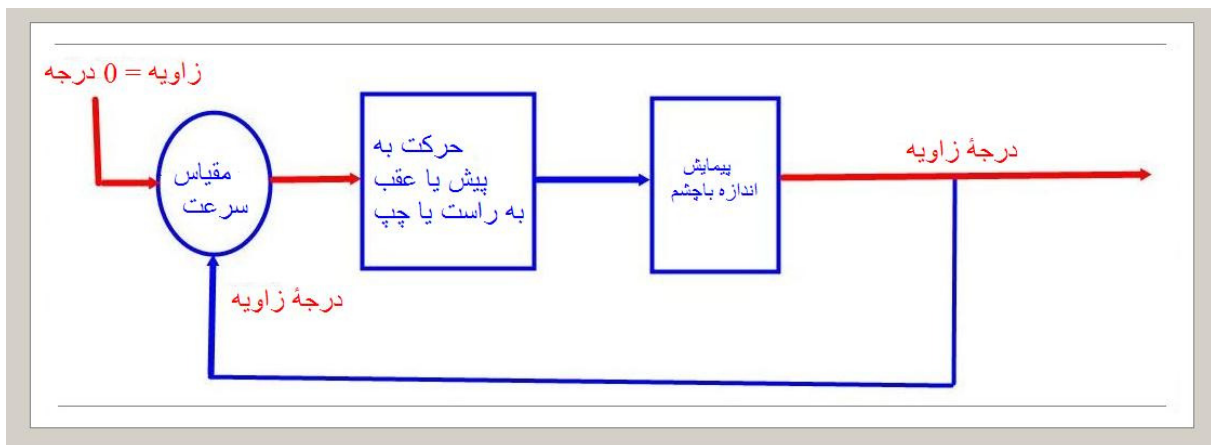
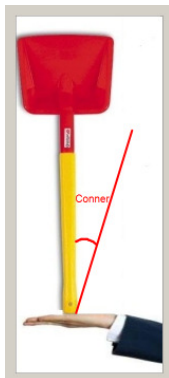


تصویر دایره عیار حرارت

مثال دوم:

درکشور ما در روز دهقان، اول حمل هرسال، دهقانان با بیل های خود نمایش های قابل توجه را برپا میکنند. یکی از این نمایشات چنین است که یک دهقان بیل نسبتاً کلانش را روی کف دست و یا حتی روی پنجه هایش بصورت عمودی نگه میدارد و از افتیدن آن باحرکات مختلف راست، چپ، پیش رو و به عقب جلوگیری به عمل می آورد.

دهقان با چشمان و احساسش زاویه انحرافی را اندازه نموده و با "زاویه باید"، در این صورت یعنی عمودی، مقایسه و تفاوت به میان آمده را جبران می نماید. این عمل با هر انحراف بیل از "زاویه باید" که زاویه ۹۰ درجه یا صفر است، تکرار میشود. به گرافیک پهلو نگاه کنید.



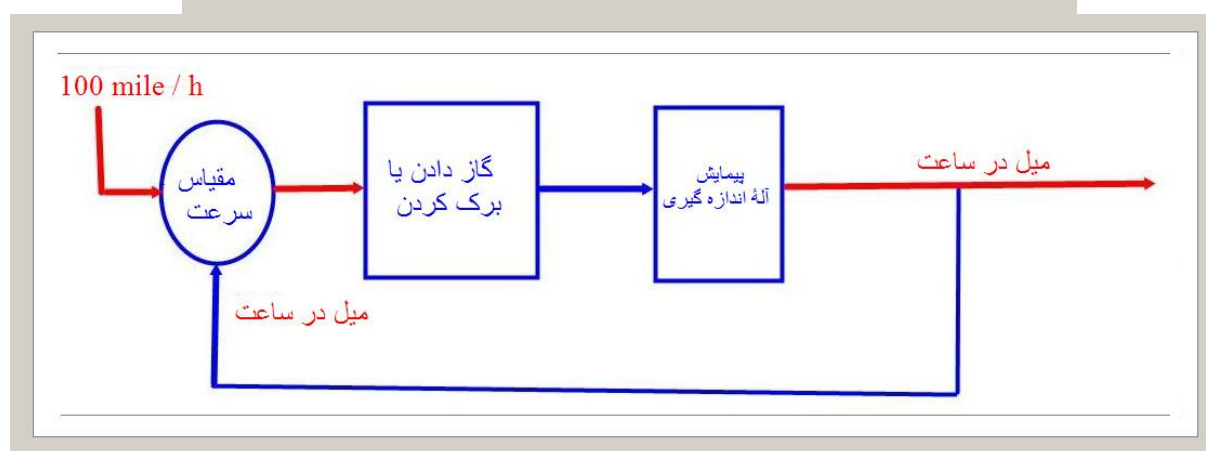
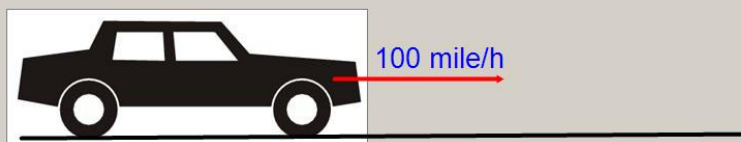
تصور دایره عیار بیل

مثال سوم:

د پانو شمیره: له ۲ تر 9

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de باندنې: دلیکنې د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

سرعت موتورها بخصوص در امریکا که کشور بزرگ و فاصله ها زیاد است، همیشه منحصر بیک اندازه معین میباشد. و روی همین ملحوظ است که در داخل ماشین سیستم عیار کننده سرعت Cruise Control نصب گردیده است. به طور مثال در رانندگی های درازمدت، راننده جهت راحتش به سیستم عیار کننده، توسط فشار یک دکمه هدایت میدهد که سرعت ۱۰۰ مایل در ساعت را حفظ کند که ما در اینجا آنرا "سرعت باید" می نامیم؛ بدینگونه، موتر به صورت اتومات صرف نظر از آنکه به سربالائی و یا سرپایانی می رود، به همین سرعت ثابت و بدون اینکه درپور اکسیلیتر یا برک را فشار بدهد در رفتار می باشد و این سیستم عیار کننده است که تفاوت سرعت را خود به خود سنجش می کند.



تصویر دایره عیار کننده موتر



به همینطور برای اینکه از چرخیدن طیاره به دور "محور طول اش" جلوگیری شده باشد تا سقوط نکند، از سیستم های عیار کننده کار گرفته می شوند.

برای اینکه یک عیار کننده بصورت دقیق فعال شده بتواند تا موتر "سرعت باید" خود را حفظ کند، طیاره به سقوط مواجه نگردد، و ستلایت مدارش را نگهدارد و حرارت در ساختمانها ثابت بماند باید مراتب آتی دقیقاً مطالعه گردند:

- ۱- "حالت موجود" کدام است؟
به این معنی که ما باید یک تصویر حتی الامکان واقعی از "حالت موجود" داشته باشیم، نقاط قوی و ضعیف آن، منافع و نقایص آن باید دقیقاً معلوم باشند.
- ۲- "حالت باید" چه باید به دست آید؟
"حالت باید" لازم است واقعی و مطابق به امکانات باشد. به طور مثال حد سرعت یک موتر باید از بین صفر و حد نهائی آن تجاوز نه کند. در قسمت حرارت عین شرایط باید مراعات گردد. حدود آن وابسته است به "وال مسدود" (حرارت بیرونی)، "وال باز" (حرارت نهائی که از نظر تخنیکی امکان پذیر است). تعریف زاویه بین صفر و ۳۶۰ درجه در نظر گرفته شده می تواند.

د پانو شمیره: له ۳ تر 9

۳- اجراءات برای ساختار "عیار کننده" از کدام تخنیک استفاده کند؟

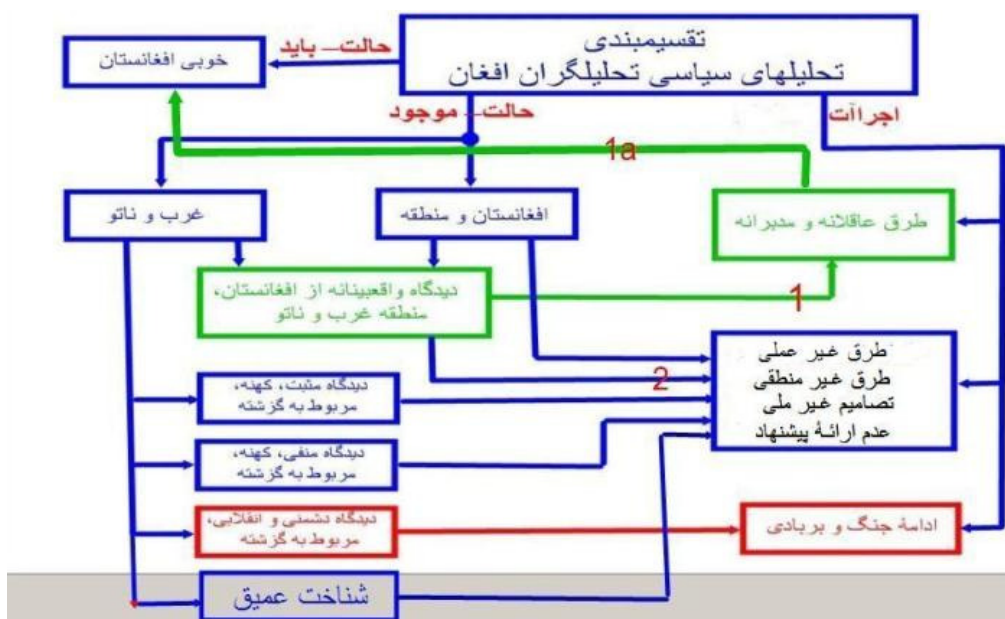
برای این منظور باید اشخاص مسلکی گماشته شوند که در پهلوی تحقق بخشیدن امور تخنیکی، سیستم را باید در مجموع بشناسند، و تصور واقعی از حالات موجوده داشته باشند و نیز در چوکات امکانات از جدیدترین و مدرنترین تخنیک استفاده گردد.

فوقاً از یک مدل عیار کننده تخنیکی بحث شد ولی این مدل در ضروریات حیات روزمره از قبیل صحت، اقتصاد و سیاست نیز به کار برده شده می تواند. یک مثال برای صحت می تواند کم کردن وزن بدن باشد. مثلاً وزن اضافی X کیلوست (حالت موجود)، باید به Y کیلو (حالت باید) تقلیل یابد. سیستم عیار کننده در این صورت، گرفتن غذای صحی مطابق به یک پروگرام مرتبه، سپورت و غیره خواهد بود. وزن کردن همه روزه لازم است با (وزن باید) مقایسه گردد و غیره.

برمیگردم بر موضوع ارزیابی تحلیلگران سیاسی در مورد ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان، بناغلی ولی احمد نوری، برخلاف "محافظه کاران" و یا آنانیکه خود را از زنجیرهای گذشته سیاسی خویش رها کرده نمی توانند، در صورتیکه یک موضوع ملی در بین باشد، در جبهه اول قرار می گیرد. او یک بار دیگر در یک چنین موضوع مهم نظر خود را ابراز داشته و در ستون نظرخواهی پورتال افغان جرمن آنلاین به نشر رسانید تا هم میهنان و خبرگان دگر نیز فرصت داشته، در زمینه ابراز نظر نمایند. تا حال بیش از "یک صد نظر"، در این مورد در پورتال افغان جرمن آنلاین منجمله در بعضی از سایت های دیگر به نشر سپرده شده اند که نویسنده آرزو دارد آنها را با استفاده از این مدل تخنیکی که در بالا تعریف شده است، جمع بندی کند. در این جمله حلقات ضد افغانی که بنا بر تمنیات منفی و غرض آلود شان در برابر منافع ملی کشور ما «حالت باید» را نمی پذیرند، (در خط اول، همسایه ها، خارجی ها و گماشتگان افغان شان) شامل نمی باشند. مانند گروه های طالبان و حزب اسلامی حکمتیار که بر ضد ایجاد پایگاه نظامی امریکا در افغانستان هستند و گروه های تنظیمی، شورای نظار، حزب وحدت، دوستی ها و دیگر جنایتکاران جنگی که از ترس بازگشت طالبان به قدرت و مورد بازخواست قرار گرفتن از ایجاد پایگاه ها ظاهر طرفداری میکنند ولی با تغییر حالات، بدون داشتن یک مشی ملی، دوباره به خلف خود بر می گردد.

با در نظر داشت میتود های ذکر شده، هم چنین در سیاست، یک کشور نظر به دلایل زیاد در موقعیت بحرانی قرار می گیرد که باید برای رفع آن تصامیم قطعی اتخاذ گردند. برای اینکه کشور به عمق بحران کشانیده نشود باید اتخاذ کنندگان تصامیم، آگاهی دقیق و عمیق از تمام ابعاد بحران، (حالت موجود) و نا بسامانی ها داشته باشند، تا جهت رفع آن از طریق (اجراءات عاقلانه و مدبرانه) به یک حالت مثبت و مقصود (حالت باید) دست یابند. کشور ما متأسفانه در چنین حالتی قرار دارد. سخن از ایجاد "پایگاه دراز مدت نظامی" در این کشور است.

نظر به مدل تخنیکی "تخنیک عیار کننده" (Automatic Controlling System) تحلیلهای سیاسی تحلیلگران افغان میتواند درگرافیک آتی ترسیم گردد. از خوانندگان گرامی خواهشمندم تا مسیر حرکت تیر و ارتباط منطقی سیر آنرا تعقیب نمایند.



د پايو شميره: له ۴ تر 9

حالت باید :

با یک دید خوشبینانه میتوان گفت اکثریت کسانی که به طرفداری ایجاد پایگاه نظامی در کشور و یا خاستگاه فکری شان در موضع مخالف آن قرار دارد بدون تردید و بصورت حتم انتخاب بهتر «حالت باید» را برای کشور شان در نظر دارند و هر دو می پندارد که پیامد طرز دید شان منتج به یک افغانستان آزاد، مستقل، صلحجو، مترقی، اقتصاد در حال رشد و غیره و غیره . . . میشود.

حالت موجود:

با در نظر داشت ابعاد قضیه، حالت موجود بالذات متشکل از دو بخش عمده است که در یک بُعد آن افغانستان و منطقه قرار دارد و در بُعد دیگر آن ناتو و غرب.

● « حالت موجود»، (افغانستان و منطقه) :

برای اخذ تصمیم به نفع افغانستان، ارزیابی "حالت موجود" افغانستان و منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است که باید بصورت عمیق بررسی گردد. در باره حالت موجود افغانستان و منطقه، تحلیلگران افغان در شناخت بحران (از نظر سیاسی، نظامی، اقتصادی، امنیتی، فساد اداری و... و غیره) و مداخله کشور های همسایه در امور کشور ما همنظر بوده ولی در باره ایجاد پایگاه نظامی نظریات مثبت و منفی دارند. آنهایی که با ایجاد پایگاه های امریکائی در افغانستان مخالف اند، به دلیل اینکه همسایه ها، ما را آرام نخواهند گذاشت و برخلاف آن موقف خواهند گرفت تشویش افغان هایی را که به این باورند، بعد از خروج قوای بین المللی وطن ما میدان تاخت و تاز همسایه ها خواهد شد، رد میکنند، به طور مثال آقای نگارگر چنین استدلال میکنند که اگر میهن ما بعد از خروج ناتو باز هم مورد تهاجم همسایه ها قرار بگیرد، افغانها آنچنانیکه در برابر انگلیسها و روسها رزمیدند و از استقلال خود دفاع کردند، در برابر پاکستانی ها و ایرانی ها و هر مهاجم دیگر از کشور خود دفاع خواهند کرد. ولی در اینجا یک حقیقت بارز را فراموش میفرمایند که مهاجمین گذشته، مردمان غیر مسلمان بودند و افغان ها ثابت کرده اند که تحمل مهاجمین را به خصوص مهاجمین غیر مسلمان، چه از شرق باشند و چه از غرب، در کشور خود ندارند. ولی اگر مهاجمین همسایه به حیث مسلمان و زیر لحاف مسلمان برای منافع سیاسی و ارضی خود بیابند، متأسفانه قضیه طور دیگر خواهد بود. گذشته نه چندان دور شاهد آنست که پاکستانی ها در لباس طالبان مسلمان کشور ما را تسخیر کرده بودند.

سؤال این است که آیا افغانهای محاط به خشکه تاکنون قادر به جلوگیری از سوء استفاده میلیارد ها مکعب آب دریا های شان بوسیله همسایگان طماع و سیر نه شدنی چون ایران و پاکستان، که ثروت حیات و مامت زندگی اقتصادی افغانها است، شده اند؟

بدون تردید، مراعات کاریست بس نکو که در چهارچوب اخلاق حمیده و خصایل انسانی مقام بس بلندی دارد، مراعات در برابر همسایه، مراعات در برابر بی بضاعت و غیره، ولی در خصوص همسایه، مراعات باید دو جانبه و بر مبنای نفع و ضرر مشترک مساویاً در نظر گرفته شود.

در مورد رفتار همسایه ها میرمن ملالی موسی نظام، بناغلو اعظم سیستانی، نعیم بارز، عارف عباسی، نجیب داوری و عبدالحمید مبارز اظهار نظر داشته اند.

نظر به تخمین نویسنده، نوشته بناغلی ار غندیوال و همچنان نظریات شان در ستون "نظر خواهی" تصور واقعی و شفاف را از "حالت موجود" در افغانستان و منطقه ارائه می دارد. به لینک آتی مراجعه شود:

http://www.afghan-german.de/upload/Tahlilha_PDF/s_arghandiwal_tasis_pavgah_hav_nezami_us_dar_afg.pdf

● « حالت موجود»، غرب و ناتو،

دیدگاه های تحلیلگران را در خصوص این موضوع میتوان به چهار گروپ تقسیم کرد.

۱- دیدگاه مثبت ولی تأریخزده

مقارن پایان جنگ جهانی دوم، جهان شاهد انقسام ایدئولوژیک و جغرافیوی میان قطب های متخاصم حتی صف بندی جبهات متحارب به شکل و سطح نوین بود و جنگ سرد علی الرغم اینکه زمینه گشای پیشرفت تکنالوژیک بخصوص تکنالوژی تسلیحاتی بود مصائب بیشماری را نصیب خانواده بشری نمود که صدور به اصطلاح انقلاب ها و کودتا ها مثال بارز آن در امریکای جنوبی، افریقا و آسیا بوده و در بین آن افغانستان نمونه بارز تر

از همه است. در میان همین تخصص ابر قدرتهای شرقی و غربی دول جهانی ناگزیر بودند به شکلی از اشکال تمایل و حتی تقارب خود را بیکی از قطب ها نشان دهند. افغانستان آنروز شاید یکی از نمونه های منحصر به فرد در میان دول جهان باشد که خواست با حفظ سیاست اعتدال از رقابت هر دو ابر قدرت بخاطر اعمار زیربنا های اقتصادی خود استفاده کند. انکشاف سریع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حیات مادی و مدنی جوامع غربی را تغییر کلی داده است. فروپاشی شوروی فورموله های متداول غرب را در برخورد با جهان سوم کاملاً تغییر داد، غرب دیروز جنگ سرد، غرب امروز نیست. نیاز به انرژی و دستیابی به انحصار منابع انرژی محور سیاست جهان غرب را تشکیل داده که به حسن تعبیر اقتصادی نامش را گلوبالیزشن گذاشته اند که در یک کلمه کوچک متعارف زبان خود ما میتوان آنرا به سیاست [بگير و بده] خلاصه کرد.

دوران سخاوت های غول پیکر و حاتم طائی دول پیشرفته جهان اکنون دیگر سپری گردیده است. هیچ چیزی بخشش نمی گردد بلکه هر چیز معامله می شود. در آنزمان پوهنتون های غرب عمدتاً مراکز علاقه و دلچسپی سیاسی بودند و مظاهرات محصلین در تمام اکناف اروپا موج میزد؛ در واقع خروش حق طلبانه محصلین فریادی بود برای تغییر در حیات مدنی آنزمان و پایان جنگ های افروخته شده؛ اما امروز محصلین به فکر پایان هر چه زود تر تحصیلات خویش اند و با وداع به علایق سیاسی دیروز، تلاش دارند هرچه زود تر صاحب عاید گردند.

واقعیت این است که جهان به کلی تغییر کرده است. بعد از سقوط اتحاد شوروی (بحیث یک افغان نباید فراموش کرد که کشور ما در انهدام آن سهم بارز داشت) جهان دو قطبی دیروز، امروز به جهان یک قطبی تبدیل گردیده است. ولی آهنگ رشد اقتصادی و رقابت های نوین باعث آن گردیده تا جهان ما به سمت چند قطبی شدن اولین قدم خود را بگذارد و در آن اروپا، چین، هند یا حتی روسیه و برازیل، ارجنتاین و چند کشور دیگر هر یک نقش خود را خواهد داشت. اگر دقیق دیده شود اروپا در افغانستان نسبت به امریکا کمتر علاقه دارد در حالیکه موقف اروپا در لیبیا برخلاف آن است و همین وضع به روش های مختلف همکاری منجر می گردد.

اتحادیه اروپا از بحران مالی بعضی از اعضای خود مانند یونان، پرتغال و ایرلند رنج می برد و کسر بودجه امریکا به ۱،۴ تریلیون دالر رسیده است (یک بیلیون در اروپا مساوی است به یک هزار میلیارد). تسلط روز افزون اقتصادی چین و هند بر مارکیت جهانی که آراسته به "سیستم سالم کنترل اوتوماتیک" چند بعدی است پله های نوین انکشاف را با گذشت هر روز می پیماید.

بدون تردید که غرب عاشق گل روی افغانها نبوده و بر مبنای این عشق به افغانستان نیامده است. پای غرب به حکم منافع غرب چه ستراتیژیک و چه امنیتی، از ماورای ابحار بدین جا کشانیده شده، حالا بر ماسه که چگونه میتوانیم منافع ملی، اقتصادی، امنیتی و ستراتیژیک کشور خود را با حفظ استقلال سیاسی کشور خود تلفیق دهیم از همین امکان بوجود آمده برای بازسازی کشور و به پا ایستاده کردن نسل جوان خصوصاً کدرهای ملی در تمام عرصه های حیات کشور از آن استفاده اعظمی نمایم.

۲- دیدگاه منفی و تأریخزده،

یکعده از چپی های جامعه افغانی که تا هنوز در تنگنای یخزده دیگاه های جنگ سرد بپایان رسیده محصور مانده اند، نمیتوانند خود را از تاجر اندیشه های جهان دو قطبی آنزمان رها سازند و **حالت موجود** را طوریکه هست دریابند. به طور مثال در مضمون بناغلی حکیم نعیم نقاط منفی تاریخ موجودیت "ناتو" در ترکیه امروز را مورد تنقید قرار میدهد بدون اینکه تذکری از بهبود اوضاع سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی **حالت موجود** ترکیه را حلاجی نموده باشد. بنابراین به استناد **حالت موجود** اتحادیه اروپائی در نظر دارد در سال ۲۰۱۵ عضویت ترکیه را در آن اتحادیه مورد بحث و مذاکره قرار دهد. یا میتوان از نتایج مثبت موجودیت پایگاه امریکا در کوریای جنوبی نیز صحبت کرد. این کشور در ظرف ۳۰ سال گذشته ۱۲ رئیس جمهور منتخب داشته و موترهای تولید آن در غرب خریداران زیاد دارند. پیشنهاد بناغلی حکیم نعیم در مورد "تجهیز مردم" نیز در تاریکی می ماند.

نویسندگانی هم در نظریات خود از میر مسجدی خان و نائب امین الله خان لوگری و ... بگونه حسرت بار ستایش می کنند. آنها "حالت موجود" و "حالت بود" را در مغالطه می گیرند. پدر هند معاصر مهاتما گاندھی و مؤسس چین معاصر مائوتسه دون قبل از اینکه اجرائت خود را شروع کرده باشند از یک هزار شهر و قریه کشور خود دیدن کردند. آنها می خواستند نخست [**حالت موجود**] را ارزیابی کنند و بعد زمینه را برای اجرائت آماده سازند به این معنی که بعد از ارزیابی حالت موجود پا به عرصه اجرائت بگذارند. بدون تردید اوشان نخبگان خاص جامعه خود بودند که از خاکستر حالات همان عصر کشور های خود زاده شدند ثانیاً اینکه شمار

این چنین انسان ها کم پیدا است و سوم اینکه در حال حاضر افغانستان نیز به اشخاص ملی، با ایثار و فداکار عصر و زمان خود که زاده حالت موجود جامعه باشند، ضرورت دارد

شماری از پیروان دیدگاه منفی بخاطر نکات آتی نسبت به ایجاد پایگاه های نظامی امریکا اظهار مخالفت دارند :

این عده اشخاص علی الرغم درک واقعیت های عینی یک نوع ترس موهوم از حملات و انتقادات رفقای هم اندیشه و یاران قدیم خود دارند، و حتی یکعده شان پا را با همان دید شعاری دیروز و آتشین مزاج برون کرده و از حملات قلمی خویش ناجوانمردانه دریغ نه می کنند و زیر نام های مستعار گوناگون مثل (هوادار سایت) و (گزارشگر سایت) و ... و ... و بعضاً بدون در نظر داشت عفت قلم و کلام و اخلاق نویسندگی چند کلمه کوچکی بزاری را به اصطلاح عوام [با اخ دل کشیدن] می نویسند، اینگونه اشخاص شاید درک نه کرده باشند که دگر زمان مستعار نویسی سپری شده است، به یقین میتوان گفت که در این چند سال فعالیت رسانه های انترنتی همه به شیوه و طرز تفکر و تحریر یکدیگر آشنا شده اند. جای مسرت است که پورتال افغان جرمن آنلاین بصورت مجموعی دامن نویسندگان مستعار نویس را جمع نموده است و اکثریت عظیم قلم بدستان آن با نام و نشان و هویت شان در آرشیف های پورتال ثبت هستند. به اساس وفاداری متحجر شده و بیجا به اندیشه های سابق شان که در آن گیر مانده اند.

جناب اکرم عثمان نویسنده و صائب نظر سیاسی و اجتماعی چنین می نویسند : انسان باید پیوسته باور هایش را با مقیاس های علمی و علی زمان حاضر سبک و سنگین کند تا شایستگی زندگی کردن در قرن ۲۱ را حاصل نماید. بدون تردید یکی از علل مشکلات اجتماعی ما، طرز دید ناموزون و ناسنجیده ما به سیرت و صورت جامعه ما میباشد

۳- دیدگاه دشمنی و انقلابی

گروپ های کوچکی که می خواهند نقش انقلابی را بازی کنند. جالب است که اینها اکثراً در غرب نشسته اند یعنی از پهلوی مرکز گرمی و ائیرکاندیشن به دامنه هندوکش فیر میکنند. نه تنها با این نوع کار شان مصدر کدام خدمت مثبت بوطن نمی شوند بلکه ناخود آگاه در چنگال دشمنان افغانستان یعنی ایران و پاکستان و افراطیون اسلامی سقوط میکنند. بطور مثال یک سایتی که خود را با مثنی از نویسندگان انگشت شمار و بی نام و نشان و خوانندگان کمتر از اعلامیه هایش همه را بباد انتقاد میگیرد و متأسفانه همه پیشنهادات و اجراءات ایرا که ارائه میدارند انقلاب، ادامه جنگ و برپادی است که اگر آنرا با سیستم عیار کننده مقایسه کنیم این اجراءات باعث تصادم موثر، سقوط طیاره و ... میگردد، که البته برای آنانیکه سرنشینان موثر و طیاره نیستند چه باک.

۴- شناخت عمیق و اکادمیک متخصصین افغان از غرب و ناتو :

برخی از متخصصین در امور ناتو و دنیای غرب صرف در یک بعد، توانایی کار را در یک رشته دارند ولی بنابر دوری از مین از شناخت بافت های سیاسی کشور و منطقه « حالت - موجود» و پیچدگی های آن عاجز اند. داکتر زلمی خلیلزاد یکی از نمونه های بارز آن میباشد. آنها با شناختیکه از غرب دارند خواسته یا ناخواسته و یا بنابر پیچدگی قضایا با دادن مشوره های آنی، فوری و بدون محاسبه پایش به جایی کشانیده میشود که گویا عملش با پا درمیانی فورموله بن نه به نفع افغانستان تمام شد و نه به نفع غرب، و دلیل آن عدم شناخت عمیق و فقدان یک دید برنامه ساز برای آینده کشور است و در اثر همین خلا آنها نتوانستند طرق عاقلانه و مدبرانه برای تلفیق منافع ستراتیژیک و درازمدت افغانستان با منافع ستراتیژیک غرب جست و جو کنند و یا حد اقل از آن به نفع افغانستان استفاده شود. در نتیجه شتابزدگی سیاسی غرب کنفرانس بن دایر شد و این کنفرانس در واقع یک مجمع انقسام قدرت میان گروپهای سیاسی و نظامی و حتی متخاصم در زیر فشار طیارات بم افگن ب ۵۲ بود. درین کنفرانس منافع افغانستان از همان آغاز مثرم نبود. درین انقسام، باج گیری و باج دهی اهمیت داشت نه اهلیت کاری، در این انقسام قومیت ارزیابی تحلیلگران سیاسی را در مورد ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان اهمیت داشت نه ملت. در نتیجه انقسام « اجراءات نامعقول» قومی قدرت بود که بیسواد ترین کتله نیرو های جنگی بر حساس ترین پله های قدرت سیاسی تکیه زدند و زمینه را برای فساد اداری، انتقام گیری و هرج و مرج سیاسی بازگذاشت. و نتیجه آن به هدر رفتن بیلیون ها دالر به جیب جنگسالاران و قاچاقبران اسلحه و مواد مخدر و نیرومند شدن مافیای دولتی در اهرام قدرت دولتی و حتی ابعاد قانون گزار کشور بود.

مطالعه کنندگان عزیز، طوریکه ملاحظه می کنید برای اینکه یک سیستم فعال، چه تخنیک، سیاسی، اقتصادی یا . . و غیره اعمار شده بتواند، باید قبل از اینکه اجراءات معقول پیشنهاد گردد، همه زوایای آن از طرف متخصصین مطالعه و دقیقاً تحلیل شده باشند.

آنچه از دایگرام (گرافیک) استنباط می گردد اکثر ارتباطات منتج به عملیه های غیر مطلوب (غلط) میگردند. دلیل این است که معلومات غلط و غیر کافی از "حالت - موجود" در اختیار قرار دارد. در این صورت حتی معلومات درست و واقعی از "حالت - موجود" می توانند نیز به عملیه غیر مطلوب (غلط) منجر شود (ارتباط یا تیر ۲ ملاحظه گردد).

به طور مثال پیشنهاد بناغلی بهاند به اساس معلومات دقیق از "حالت - موجود" به شمول " افغانستان و منطقه"، " ناتو و غرب" که از کانسپت سویس برای افغانستان تقلید گردد از نظر شخص من پیشنهاد خوب بوده ولی باز هم یاد آور میشوم که واقعینانه نیست، زیرا: آقای بهاند تمایزات جدی مدنیت اروپایی و فرهنگ سیاسی اروپایی را که کشور سویس به حیث مدل تمام و کمال آن جلوه گر است فراموش کرده اند. در منطقه ما (نزدیک خلیج فارس، جنوب آسیا و آسیای مرکزی) مدنیت سیاسی دیگری حاکم است. بخاطر بیاوریم که طی کم و بیش چهل سال اخیر درین مناطق حاکمیت های کشور های آن بخاطر امیال سیاسی شان چه حوادثی نبود که به آن اقدام نکردند: جدا شدن پاکستان شرقی، جنگهای هند و پاکستان بالای مسأله کشمیر، اشغال و تصرف جزایر تمب کبیر و تمب صغیر و ابو موسی توسط رضا شاه ایران که در آن زمان تکنولوژی اتمی هم نداشت، اشغال کشور ما توسط اردوی سرخ شوروی، اشغال کویت توسط عراق، جنگ ایران و عراق و بعداً عروج امریکا و متحدینش به عراق، نفوذ و اعمال فعالیت های استخبارات وسیع متجانب پاکستان و ایران و جنگ های ایدولوژیک در داخل و حواشی کشور ما و...و... مگر در منطقه ای با چنین کش و گیر داغ میتواند «سویس» آسیا باشد؟!

در اخیر تذکر می دهم که آقای هیرمند راه حل مکمل (طرق معقول و مدبرانه، ارتباط یا تیر ۱ دیده شود) را پیشنهاد کرده اند. این پیشنهاد نشان دهنده معلومات کافی وی از "حالت- موجود" به شمول "افغانستان و منطقه"، ناتو و غرب" بوده و به یک "سیستم فعال کنترول اتوماتیک" به معنی سیاسی آن یعنی "حالت- باید" گویا "خوبی افغانستان" باشد، می رساند. در پیشنهادات موصوف، دل سوزانه سعی بعمل آمده تا در هر گام، فعالیت و اقدامات قطعات و پایگاه نظامی امریکا در وطن ما با معیار های بیشتر انسانی تنظیم گردیده و منافع ملی و حق حاکمیت ملی ما محفوظ و مصئون گردانده شود، و تمامیت ارضی و یک پارچگی کشور ما همواره با حقوق اساسی مردم نجیب ما رعایت و ضمانت گردد. (ارتباط یا تیر a ۱ دیده شود).

http://www.afghan-german.de/upload/Tahlilha_PDF/f_hermand_tadabir_hefazat_az_tamamiyat_arzi.pdf
http://www.afghan-german.de/upload/Tahlilha_PDF/f_hermand_siyasat_zadagi.pdf

یادداشت: برای اكمال "سیستم اتوماتیک کنترول" باید علاوه گردد که چنین سیستمها در محیط مغلق تخنیکي Hightech به کار گرفته می شوند. در این مورد باید در پهلوی "حالت - موجود"، "حالت - گذشته" و "حالت- آینده" نیز از نظر انداخته نشوند.

"حالت - گذشته"

به طور مثال "سیستم اتوماتیک کنترول" که در یک عمارت برای مشاهدات درجه ثابت حرارت به کار گرفته می شود، می تواند همچنان دیگر مشخصات را از قبیل درجه حرارت در بیرون عمارت، مصرف تیل، گاز، مصرف برق و اوضاع والها (وینتیل) را نیز قید یا ذخیره کرد. تخنیکر مؤظف در موقعش این مشخصات (داتا) را روی سکرین(پرده) کمپیوتر دست داشته طلب نموده و آنرا در یک گرافیک و یا جدول درج می کند. به اساس این معلومات به درستی می توان نارسائی های سیستم را درک و به آن رسیدگی نمود.

"حالت- آینده"

"سیستم اتوماتیک کنترول" میتواند وضع جوی و درجه حرارت را در روزهای آینده و حتی هفته و ماه پیش بینی کند. همچنان مصرف مواد سوخت را مطابق درجه حرارت پیشبینی شده، مقدار مواد موجود در ذخیره را مقایسه کرده در صورت کمبود و عدم تکافو آن را بعد از محاسبه در اختیار اپریتر میگذارد. در صورتیکه سیستم تثبیت نماید مقدار کافی "مواد سوخت" در اختیار نیست توسط ایمیل، تلفون، موبایل، اس ام اس . . . و غیره به شخص مسؤل چنین اخطار ارسال میگردد: **احتیاط! در روزهای بعد حرارت سقوط میکند! مقدار "مواد سوخت" برای ۲ روز دیگر کافی است.**

در پایان سطور این بخش مقاله میخواهم بگویم که طرح مسئله پایگاه ها در عده کثیر نظریات بر مبنای احساسات و دید شخصی علمی مورد ارزیابی قرار نگرفته است حالانکه این پدیده باید از ابعاد حقوقی، امنیتی، روابط بین الدول، ماحصل اقتصادی دراز مدت، اضرار و کمبود با دید عمیق و مسؤلانه مورد بررسی همه جانبه قرار میگرفت؛ ولی بیشترین وزنه نظریات از محدوده ترس و مداخله همسایگان و امثالهم بیرون نرفته است. توقع می شد که مسئله از

زاویۀ واقعاً ستراتیژیک مورد موشگافی دقیق قرار می‌گرفت. با وجودیکه ابراز نظر در یکمورد حساس حق همهٔ ماست ولی مسئلهٔ زمانی مورد توجه و ارزش وافر قرار می‌گیرد که نظر دهنده واقعاً توانایی مسلکی داشته باشد.

د پانو شمیره: له ۹ تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلپکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ